

بررسی شیوه‌های زیست اقتصادی دینی در اندیشه‌های ابن‌سینا

اکرم خلیلی نوش آبادی^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۱۶

چکیده:

مدیریت شهری و مدیریت خانه که دو شاخه از حکمت عملی است، دارای اضلاع پیچیده‌ای است و لازم است برای فهم و توفیق در هر کدام از آنها به دانش تخصصی مربوط به آن مجهز شد. یکی از زوایای مدیریت شهری و خانوادگی، مباحث دخل و خرج است که در اندیشه‌های عالمان متقدم و از جمله ابن‌سینا نیز دارای اهمیت خاصی بوده و در خور توجه و بازخوانی است. اقتضائات اجتماعی حال حاضر در جهان به‌ظاهر عقلانی امروز ضرورت بازبینی آراء اقتصادی ابن‌سینا به‌عنوان رهبر فیلسوفان عقلگرا را توجیه می‌کند. در این مطالعه سعی داریم به روش توصیفی، تحلیلی و تحلیل محتوا و با تمرکز بر رساله مجموع فی السیاسة، آراء اقتصادی ابن‌سینا را استخراج نماییم. کلمه «اقتصاد» در این رساله به‌معنای میانه‌روی است، اما نگارنده اقتصاد را به‌معنای امروزی آن به‌کار می‌برد. توجه به دو مبنای اخلاق و عقل و حضور زنان در کنار مردان برای مدیریت اقتصاد، تعادل ارزش‌مندی را در دیدگاه‌های ابن‌سینا ایجاد نموده‌است. از نظر وی تلاش در جهت تولید، فن‌آوری و اشتغال‌زایی در فعالیت‌هایی چون کشاورزی و ساختمان‌سازی تا صنعت و معدن و خرید و فروش و ... سبب تولید ثروت و بهبود و رونق کسب و کار می‌شود.

کلید واژه: ابن‌سینا، اقتصاد، حکمت عملی، تدبیر منزل، مجموع فی السیاسة

طبقه بندی JEL: D14, D19, E29, M12, M54

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران
khaliliakram@gmail.com

مقدمه

اگرچه ابوعلی سینا (۳۶۰-۴۱۶ ش.) عموماً به دیدگاه‌ها و آثار فلسفی و آراء طبی شناخته می‌شود (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق.)، اما نباید تخصص و علم او را در این دو شاخه محصور کرد؛ چرا که وی دارای اندیشه‌های اقتصادی نیز بوده‌است.

از میان مصنفات شیخ که به نقلی به بیش از صد اثر می‌رسد (ابن سینا، ۱۳۶۰)، منقح‌ترین و آشکارترین دیدگاه‌های او در باب اقتصاد جامعه و خانواده که از آنها به سیاست مدن و تدبیر منزل یاد می‌شود را در «رساله مجموع فی السیاسة» که ما به اختصار آن را «السیاسة» می‌نامیم، می‌توان یافت، اما نمی‌توان آن را در ردیف شفا و اشارات و دانشنامه علائی قرار داد (داوری اردکانی، ۱۳۸۳). این رساله به رساله تدبیر منزل نیز معروف است و اگر چه از عنوان آن چنین برداشت می‌شود که شیخ در اینجا قصد ارائه مباحثی در خصوص سیاست به معنای حکومت‌داری و آنچه مربوط به حاکمان است را بیان کند، اما اندکی تأمل در این کتاب به این تصور پایان داده و روشن می‌سازد که این رساله مربوط به مدیریت نفس، مدیریت جامعه و تدبیر خانواده است.

سبب نام‌گذاری این رساله به «السیاسة» را هم در به کارگیری اصطلاح «سیاست» به جای «تدبیر» می‌توان دانست. نیز باید گفت که کاربرد چنین اصطلاحی به ابن‌سینا اختصاص ندارد؛ زیرا در نخستین متن‌های برجای مانده در این زمینه، تعبیرهای «السیاسة الخاصة» و یا «السیاسة الخاصیة» به جای «تدبیر منزل» به کار می‌رفته‌است. (نورانی نژاد، ۱۳۸۵)

رساله مجموع فی السیاسة در بغداد در سال ۳۴۷ ق. به چاپ رسیده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق.). این اثر موجز حاوی نکات عمیق و دقیقی است که بر حکمت عملی استوار است و به نحوه مدیریت شهری و خانوادگی ورود پیدا کرده و با طرح مبانی و انگیزه‌های تشکیل خانواده به توصیف و توصیه وضع اقتصادی مناسب در یک جامعه و در سطحی کوچک‌تر از آن؛ یعنی خانواده می‌پردازد و می‌توان از درون آن راه‌های برون رفتی را برای بهبود اوضاع معیشتی جامعه و خانواده استخراج کرد. رساله «السیاسة» در پنج فصل تنظیم شده که سه فصل آن مباحث مربوط به منزل و تدبیر منزل را پی می‌گیرد. فصل دوم در مورد تدبیر دخل و خرج، فصل سوم در مورد مخارج شخصی و فصل چهارم در مورد ذخیره و پس‌انداز است.

برای فهم جایگاه مباحث اقتصادی در تقسیم بندی علوم لازم است به این تقسیم‌بندی اشاره کنیم. در آثار متعددی از جمله در عیون الحکمة، حکمت در ابتدایی‌ترین تقسیم، به نظری و عملی تقسیم می‌شود (ابن سینا، ۱۳۵۹) و سپس اجزاء خردتری پیدا می‌کند. در رساله اقسام العلوم العقلیة این تقسیم‌بندی به‌طور مبسوط‌تری به چشم می‌خورد و شیخ در این رساله در مجموع ۴۹ علم اصلی و فرعی حکمی را به اختصار معرفی کرده و به مهم‌ترین کتب مرجع هر رشته نیز اشاره

می‌نماید (برای تفصیل بیشتر ر.ک. ابن‌سینا، بی‌تا). حکمت عملی علمی است که ما را از فعل و کنش‌مان آگاه می‌سازد و فایده‌اش این است که بدانیم چه کارهایی باید انجام دهیم تا دنیای ما سامان یابد و به آخرت نیز امیدوار باشیم (ر.ک. ابن‌سینا، ۱۳۸۳، مقدمه الهیات). مباحث حکمت عملی هم نظری است و هم عملی؛ به بیان دیگر هم باید دانسته شود و هم بدان عمل شود (همو، ۱۳۵۹). حکمت عملی که موضوعش رفتار انسان است، دارای سه شاخه اخلاق یا علم تدبیر خود، علم تدبیر منزل و علم سیاست یا تدبیر شهر و جامعه است. گاه این رفتار مختص خود فرد است و گاه این رفتار در تعامل با دیگران در نظر گرفته می‌شود. رفتار مختص فرد را علم اخلاق عهده‌دار است که ابن‌سینا آن را علم تدبیر خود می‌نامد (ر.ک. ابن‌سینا، ۱۳۸۳، مقدمه الهیات) و رفتار اجتماعی بسته به این‌که این اجتماع خانواده باشد یا جامعه، تدبیر منزل و سیاست مدن نامیده می‌شود.

اما واژه تدبیر به معنی صلاح اندیشیدن است (ابن‌معروف، بی‌تا) هم‌چنین به معنای عاقبت‌اندیشی است (مصطفی، ۱۳۸۶). تدبیر منزل به عبارتی به معنی نحوه‌ی اداره‌ی منزل و مشارکت مرد با زن، فرزندان، بندگان و خدمت‌کاران برای تنظیم امور منزل است (ابن‌سینا، ۱۳۸۳، مقدمه الهیات). هم‌چنین به معنای علم ساماندهی و نظام‌مند کردن اقتصاد خانواده (ر.ک. ابن‌سینا، ۱۳۸۳، مقدمه الهیات) و آن را کت‌خدایی و خانه‌داری نیز ترجمه کرده‌اند (دانش پژوه، ۱۳۵۷).

فائده حکمت منزلیه یا علم تدبیر منزل نیز این است که اهل یک منزل یاد می‌گیرند چگونه با هم تعامل و مشارکت سازنده و کارآمد داشته باشند و از این رهگذر صلاح و مصلحت خانه را رقم بزنند (ر.ک. ابن‌سینا، ۱۳۵۹). ابن‌سینا طرف‌های تعاملات خانوادگی را زوج و زوجه، والد و فرزند و مولا و عبد می‌داند و علم تدبیر منزل به ساماندهی این روابط برای تحقق مصلحت و نفع همه اعضا می‌انجامد (ر.ک. ابن‌سینا، ۱۳۵۹).

پیش از ابن‌سینا فیلسوفان دیگری از جمله فارابی نیز به مباحث تدبیر منزل اشاره دارند (ر.ک. فارابی ۱۹۹۶م؛ همو، ۱۳۶۴). با این وجود کار ابن‌سینا از سایرین متمایز است. امتیاز ابن‌سینا این است که برخلاف فارابی که به تبع از ارسطو مباحث تدبیر منزل را مقدمه‌ی مباحث سیاست تلقی می‌کرده است، در زمینه تدبیر منزل بحث مستقلی دارد (ر.ک. پورجوادی، ۱۳۹۳، نورانی نژاد، ۱۳۸۵) و بدون این‌که از دیگر صاحب‌نظران تأثیر گرفته باشد، به ارائه دیدگاه‌های خاص خویش می‌پردازد. حتی ابن‌مسکویه نیز که متأخر از فارابی است، به تصریح خودش به تبع از رساله بروسن به مبحث به تدبیر منزل می‌پردازد (ابن‌مسکویه ۱۴۲۶ق.) و رأی مستقلی در این زمینه ندارد.

نوآوری ما در این مطالعه که بیشترین تأثیر را از رساله‌ی *السیاسة* پذیرفته‌است، استخراج آراء و دیدگاه‌های اقتصادی ابن‌سینا و بازخوانی این دیدگاه‌ها و کاربردی کردن آنها برای موفقیت در

چالش‌های اقتصادی پیش رو و غلبه بر مشکلات اقتصادی روز است. تلاش ما کشف پا سخ به این سوالات است که ابن‌سینا چه راه‌کارهای اقتصادی‌ای را در مدیریت داخلی خانه برای استقرار و تداوم نظام خانواده پیشنهاد می‌دهد؟ آیا این دیدگاه‌ها ملهم از نگاه صرف عقلانی و فلسفی است یا پیش‌فرض‌های دینی و اخلاقی نیز در این عرصه حضور و ظهور دارند؟ هم‌چنین آیا ابن‌سینا برای ورود افراد به عرصه‌ی فعالیت اقتصادی و کسب و کار قائل به وجود صفات و ویژگی‌های خاصی است؟ با گذشت بیش از ده قرن از زمان این آراء و تغییر شرایط عصری و اجتماعی، آیا این دیدگاه‌ها می‌تواند هم‌چنان قابل اعتنا باشد؟ ذکر این نکته نیز ضروری است که در ادبیات ابن‌سینا کلمه «اقتصاد» به معنای میانه‌روی است اما در این مطالعه اقتصاد به معنای امروزی آن به کار رفته و مراد ما از آن دخل و خرج و امور مربوط به نظامات مالی و پولی است.

پیشینه این پژوهش مقالاتی است که اگرچه مشابهت موضوعی با مقاله پیش رو دارند ولی در پی یافتن پرسش‌هایی دیگر بوده‌اند؛ مثلاً کرمانی و سلگی در مقاله خود بحث اهمیت نظام خانواده در دیدگاه ابن‌سینا در مقایسه با نگاه جهان مدرن به خانواده را مطمح نظر داشته‌اند (کرمانی، سلگی، ۱۳۹۲). ماحوزی تنها به تقسیم‌بندی علوم نزد ابن‌سینا پرداخته (ماحوزی، ۱۳۹۲) و موریس بر فلسفه سیاسی در حکمت عملی ابن‌سینا متمرکز شده است (موریس، ۱۳۷۸). اما قصد ما در این مطالعه کشف ایده‌های اقتصادی و راه‌کارهای بهبود معیشت در آراء ابن‌سیناست. دکتر توانایان فرد نیز در کتاب خویش؛ تاریخ اندیشه‌های اقتصادی در جهان اسلام، پس از اشاره‌ای به شرایط اقتصادی در عصر ابن‌سینا به جمع‌آوری خلاصه‌ای از دیدگاه‌های وی در کنار برخی دیگر از دانشمندان مسلمان پرداخته است؛ از قبیل ویژگی‌های کلی مدیران اقتصادی، ذکر طبقات شایسته مدیریت اقتصادی با توجه به نظام طبقاتی دوره حیات شیخ، انگیزه ورود و فراگیری فنون اقتصادی، و...، فارغ از این که چنین دیدگاه‌های مورد قبول نویسنده کتاب است یا خیر؟ چه نقدهایی بر آن وارد است؟ و آیا این دیدگاه‌ها در روزگار ما که ۹ قرن از تدوین آنها سپری شده است می‌تواند کاربردی داشته باشد یا نه؟

کتاب دیگر دکتر توانایان فرد، *اندیشه‌های اقتصادی ابن‌سینا* است. محور این کتاب، فقط حول دیدگاه‌های اقتصادی شیخ می‌چرخد. مروری بر این کتاب نشان می‌دهد نویسنده خود اذعان دارد که به شرح مباحث جزوه یا کتاب نایاب کوچکی از ابن‌سینا با نام تدبیر منزل همت گماشته است (توانایان فرد، ۱۳۵۹). کتاب مذکور که تقریباً همان مطالب *رساله السیاسة* است که نگارنده این سطور در اختیار دارد، حاوی آراء و نظرگاه‌های اقتصادی ابن‌سیناست و نویسنده رسالت خود را صرفاً شرح آراء وی می‌داند بدون این که قصد داشته باشد خواننده را در جریان نظرات و نقدهای احتمالی خویش بر این کتاب قرار دهد «در این نوشته بر آن نیستیم که غلط یا درست بودن نظریات ابن‌سینا

را به بحث درآوریم» (توانایان فرد، ۱۳۵۹). و به نظر می‌رسد علت همان باشد که خود کمی بعدتر متذکر می‌شود «این نوشته را به کلیه واپس‌گرایان، قشریون و به کلیه آنانی تقدیم می‌کنیم که هر نوع تحلیلی که پایه آن اقتصادی باشد را مارکسیستی می‌نامند و به این علت آن را محکوم می‌کنند» (توانایان فرد، ۱۳۵۹). هم‌چنین مخاطب وی در این کتاب غرب‌گرایانی‌اند که اقتصاد عصر قرون وسطی را علم نمی‌دانند و نویسندگان پس از کمی پیش‌روی در مطالب این کتاب آنان را مورد انتقاد قرار می‌دهد تا بیندیشند که چگونه به موازات قرون وسطی، در مشرق زمین دانشمندانی ظهور کرده‌اند که به‌صورت مدون و سازمان‌یافته، نظام اقتصادی منسجمی را ترسیم نموده و تحویل دغدغه‌مندان داده‌اند (ر.ک. توانایان فرد، ۱۳۵۹).

حال روشن است که نویسندگان بنا بر چه ضرورتی اقدام به شرح این جزوه کوچک نموده است. به نظر می‌رسد سال‌های آغازین انقلاب اسلامی در ایران که همراه بوده‌است با هجوم تفکرات و دیدگاه‌های مارکسیستی در میان قشر جوان و دانشگاهی و ارائه خوانش مارکسیستی از اقتصاد، جریان‌های مذهبی و قشری وقت، هر نوع مبحث اقتصادی را بدبینانه به چپ‌گرایان نسبت میداده‌اند و نویسندگان قصد دارد در مقابل این جریان‌ها، با ارائه خوانش سینیوی از اقتصاد، سابقه هزار ساله آراء اقتصادی را میان متفکران متقدم یادآوری کند و علم اقتصاد را از اتهام برخورداری از صبغه مارکسیستی با سبقه صد ساله بری سازد و به منکران غرب‌زده نیز یادآوری کند که متفکران گذشته متون فاخری را در علم اقتصاد از خود به‌یادگار گذاشته‌اند و بر همین اساس شرح نوشته‌ای چنین موجز، بدون اضافات و نقد و تحلیل او را به هدف خویش نزدیک می‌سازد.

در مطالعه پیش رو نگارنده قصد ندارد تمام مباحث موجود در *رساله السیاسة* را به پیروی از نویسندگان کتاب *نظریات اقتصادی/ابن‌سینا* ارائه دهد، چرا که برخی از مباحث متناسب با نظام اجتماعی و سیاسی و طبقاتی آن عصر و سنت رایج در سرزمین ایران متعلق به هزاره قبل تنظیم شده‌است. علاوه بر نظام طبقاتی موجود، تفکرات جبری منشانه نیز در برخی عبارات‌های ابن‌سینا به چشم می‌خورد که به همان صورت توسط نویسندگان کتاب *نظریات اقتصادی/ابن‌سینا* نقل شده‌است «در تدبیر امور و حسن سیاست سزاوارترین مردم به تفکر پادشاهان و شهریانند» (توانایان فرد، ۱۳۵۹)، و در ادامه، جبرگرایی اشعری گونه‌ای را نیز در این عبارت مشاهده می‌کنیم که «خدا آنان را زمامدار امور بندگان خود نموده» (همان). در این نظام طبقاتی، تقرب بیشتر به زمامداران سبب شایستگی در حسن تدبیر و سیاست است بدون این‌که متعرض ویژگی‌ها و ملزومات زمامدار و مقربین وی؛ از جمله دانش اقتصاد و مدیریت، سجایایی مثل عدالت اقتصادی و سیاسی، کف نفس برای صیانت از بیت المال، تحلیل‌گری و ذکاوت در راهبرد امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گردد.

ملزوماتی که در اسناد دینی مورد تأکید رهبران دینی و الهی است (ر.ک. نهج البلاغه، نامه ۵۱ و ۵۳) و امروزه نیز دانش نوین بر لزوم برخورداری از آنها اصرار دارد.

کتاب *نظریات اقتصادی/ابن‌سینا* در فصل بررسی علت اقتصادی پیدایش خانواده نیز چالش از این بحث گذشته‌است (ر.ک. توانایان فرد، ۱۳۵۹). نگارنده همان‌گونه که در مباحث آتی به این چالش پرداخته‌است، عقیده دارد در باب این دیدگاه نیز دخل مقدرهای زیادی وجود دارد که لازم است شارحان به دفع آنها بپردازند تا شائبه بی‌حرمتی به جنس زن در ادبیات ابن‌سینا از بین برود و یا اینکه بی‌طرفانه ابن‌سینا را در محکمه اخلاق و وجدان محکوم سازند.

شارح در بخش دیگری از کتاب *نظریات اقتصادی/ابن‌سینا* خود با این ادبیات که شاید برخاسته از متن ابن‌سیناست، جنس زن را در کنار غذا و منزل، به‌عنوان نیازهای کلیه افراد جامعه تلقی می‌کند (ر.ک. توانایان فرد، ۱۳۵۹). در این بیان، گویی تلقی نویسنده *نظریات اقتصادی/ابن‌سینا* از «کلیه افراد جامعه» فقط مردان است و زنان به‌عنوان نیازی برای افراد جامعه؛ یعنی مردان، خلق شده‌اند که می‌تواند دستاویز مهمی برای مدعیان حقوق زن باشد و نه تنها ابن‌سینا، بلکه شارح او را نیز به بی‌حرمتی به مقام زن متهم سازد و لازم بود نویسنده کتاب مذکور با تأمل بیشتری از کنار این نظرات گذر می‌کرد.

کتاب *نظریات اقتصادی/ابن‌سینا*، در فرازی دیگر به پیروی از شیخ الرئیس و بدون تحلیل آورده‌است «به‌نظر وی [ابن‌سینا] در جامعه دو طبقه وجود دارد، کارگران و سرمایه‌داران» (توانایان فرد، ۱۳۵۹) که خود حاکی از وجود نظام طبقاتی معاصر ابن‌سیناست و به‌نظر می‌رسد این قبیل عبارات به‌معنای پذیرش این نظام توسط ابن‌سینای فیلسوف عقلگراست که مخالف آموزه‌های عدالت اجتماعی اسلام و همچنین آزادی و عدالت در دوران مدرن است و شاید جامعه مذهبی انقلابی در آن دوران چنین تعبیری را بر نمی‌تافته است و از این رو لازم بود که مورد توجه بیشتری از سوی نویسنده قرار گیرد.

در مجموع این مطالعه با توجه به خطاپذیر بودن آراء اقتصادی ابن‌سینا قصد بازگویی همه دیدگاه‌های اقتصادی ابن‌فلسوف را ندارد. بلکه سعی دارد از بیانات ابن‌سینا، گم‌شده امروز جامعه دینی را در بخش اقتصاد صید کند و به‌عنوان راه‌کاری در پیشبرد روند اقتصادی و غلبه بر مشکلات کنونی پیشنهاد دهد و از همین رو با وجود این‌که ابن‌سینا در جامعه دینی حضور نداشته است اما همان‌گونه که عنوان این مطالعه گویاست، ما قصد داریم بر اساس ملاک‌های دینی و اخلاقی عناصری از دیدگاه‌های ابن‌فلسوف را بازخوانی کنیم (ر.ک. صفدری، جفره، ۱۳۹۴) که در جامعه دینی امروز، با توجه به اعمال فشارهای جهانی مضاعف برای براندازی و یا تضعیف آن کاربرد داشته

و سبب رونق اقتصادی می شود. برای این منظور لازم است ابتدا مبانی اقتصادی ابن سینا را مرور کنیم.

۱. مبانی اقتصاد سینیوی

الف. شریعت و عقل:

یکی از مبانی مهم اقتصاد سینیوی شریعت است. ابن سینا شریعت را مصدر قوانین اقتصادی می داند. (ر.ک. ابن سینا، ۱۳۵۹). وی عقیده دارد کمالات حدود هر سه شاخه حکمت عملی با شریعت الهی تبیین می شود. بعد از آن قوه نظری بشری به استخراج قوانین عملی از آنها می پردازد و آن قوانین را در جزئیات تطبیق می کند. بنابراین هم مبدأ حکمت عملی شریعت است و هم تبیین حدود آن بر عهده شریعت است، اما منزلت عقل استخراج قوانین و تطبیق بر جزئیات است. در مدل فکری ابن سینا، عقل واضع قوانین اقتصادی نیست و سکولاریسم اقتصادی مطرود است، بلکه شریعت صلاحیت واضع قوانین را دارد و کار عقل استخراج قوانین و تطبیق آن بر مصادیق است (ابن سینا، ۱۳۵۹).

به این ترتیب در اندیشه ابن سینا به وضوح می توان تقدم و اصالت شریعت را بر حکمت مشاهده کرد. نمونه ای از این تقدم و اصالت در تقسیم کار بیرون و درون منزل است. در نظر شیخ مرد عهده دار وظیفه بیرون منزل و تأمین مخارج و هزینه های زندگی است و زن حافظ و مدیر خانه و خزانه دار سرمایه های مرد (ر.ک. / ابن سینا، ۱۴۰۲ ق). اگر چه وی صراحتاً این تقسیم بندی را ذکر نمی کند اما روشن است که آن را پیش فرض گرفته و بدون این که به آن بپردازد، اقدام به ارائه مباحث مربوط به تأمین معاش توسط مرد و پیوند ازدواج و تشکیل خانواده و حضور زن به عنوان مدیر داخلی منزل و حافظ و کلیددار دست آوردهای تلاش مرد می کند. این اصل موضوعه و این تقسیم بندی پنهان، همان است که در کلام حضرت پیامبر (ص) به آن تصریح می شود و مرد را عهده دار تأمین مخارج خانواده و کار بیرون از منزل و زن را متکفل تدبیر درون خانه و حافظ سرمایه های مادی خانواده می داند.^۱ و چنان که قبلاً هم گفتیم شریعت در اندیشه ابن سینا فوق حکمت است.

۱. حضرت علی (ع) و فاطمه (س) برای تقسیم کار به حضور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسیده و درخواست نمودند که آن حضرت تکلیف هر یک را در امور خانه مشخص فرمایند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز به امیرالمومنین (علیه السلام) دستور دادند کارهای خارج خانه را انجام دهند و به دخترشان فاطمه (سلام الله علیها) نیز فرمودند داخل خانه را اداره نمایند و آن بانوی دو عالم از این تقسیم کار شدیداً خوشحال شدند و فرمودند:

از نشانه‌های دیگر تفوق شریعت بر اقتصاد در اندیشه شیخ، تأکید بر احکام مالی و پرداخت وجوهاتی است که در قالب انفاق واجب و مستحب در احکام شریعت از آنها یاد می‌شود (ر.ک. / ابن‌سینا، ۱۴۰۲ق) صدقه، زکات و امور حسنه و خیر که در شریعت اسلام نیز بر آنها تأکید شده است،^۱ در عبارات شیخ به صراحت دیده می‌شود. شیخ پس از ارائه تعریفی از دو دسته فقرا، آن دسته که فقر خود را پنهان داشته‌اند را در درجه اول اولویت انفاق قرار می‌دهد و فحوی کلام او یادآوری آیه ۲۷۳ سوره بقره است، هر چند به آن تصریح نمی‌کند.^۲

از بیانات ابن‌سینا به‌روشنی می‌توان دریافت که در جامعه غیرتوحیدی آن زمان، مبنای شریعت برای او از اهمیت والایی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان راه‌کاری جهت توزیع ثروت در جامعه به‌کار گرفته شود و از انباشت ثروت در دست طبقه مرفه جلوگیری کند.

ب. اخلاق:

ابن‌سینا در *رساله السیاسة* بابی تحت عنوان «فی سیاسة الرجل نفسه» باز نموده است که مرد را مکلف می‌کند قبل از اعمال مدیریت خویش نسبت به زیرستان از جمله اعضاء خانواده و مدیریت اقتصاد خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، به تهذیب و تصفیه نفس خویش بپردازد و تیرگی‌ها و پلیدی‌های نفس خود را به کمک رفیقی که آینه‌وار خوبی‌ها و بدی‌هایش را نمایان می‌سازد درمان کند (ر.ک. ابن‌سینا، ۱۴۰۲ق).

مراجعه به *رساله السیاسة* روشن می‌سازد که ابن‌سینا برای کاسب جوانمرد هر راهی را مناسب نمی‌داند، بلکه در سراسر رساله اخلاق بر نوع کسب سایه افکنده است. وی پس از تعریف انواع راه‌های کسب روزی، به ارائه نکات اخلاقی می‌پردازد که هر مردی که در صدد تأمین معیشت خود و خانواده خود است لازم است به آنها گردن نهد. وی اگر چه مالکیت خصوصی را جایز می‌داند اما کسب ثروت فقط برای کسب ثروت نیست، بلکه اهداف انسانی و الهی که در پس حیات انسانی نهفته و معنای حیات را در بردارد به معیشت انسانی نیز جهت داده و برای فعالیت‌های اقتصادی به تحدید و تعریف چارچوب و مرز می‌پردازد. ابن‌سینا فعالیت افراد برای تولید ثروت را در محدوده

جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم. زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است بازداشت (محمد باقر مجلسی، بحارالانوار).

۱. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (توبه/۱۰۳)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّذِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَالْبَنِي السَّبِيلِ (بقره/۲۱۵)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (نور/۵۶)

۲. این صدقات برای آن دسته از نیازمندیانی است که در راه خدا فرومانده‌اند، و نمی‌توانند برای تأمین هزینه زندگی در زمین سفر کنند. از شدت خویشندن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، چیزی از مردم نمی‌خواهند. و هر مالی به آنان انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است.

اخلاق دینی مجاز می‌داند و در کسب معیشت بر پاک‌ترین، نافع‌ترین و سالم‌ترین شیوه تأکید دارد و پاکدستی و أخذ شایستگی و دانش مرتبط با فعالیت اقتصادی را برای تأمین معاش ضروری می‌داند. اگر چه عبارات این رساله بسیار موجز و کلی است و نیازمندی به تبیین واژه‌ها کاملاً محسوس است، اما از همین صفات کلی می‌توان به اهمیت اخلاق در تدبیر منزل سینیوی پی برد. وی رزقی که از حرص و طمع و ناپاکی به‌دور باشد و از راه اجبار و زور و چنگ‌اندازی به‌دست نیامده باشد را رزق سالم و ارزشمند معرفی می‌کند. به‌نظر وی گناه و بدنامی و بدکرداری و بی‌آبرویی، بی‌حیایی، ناجوانمردی، و بی‌غیرتی راه‌هایی هستند که کسب معیشت از طریق آنها بی‌ارزش است (ابن‌سینا، ۱۴۰۲ق). همین عبارات کافی است تا خواننده را متوجه سازد که آموزش پیش از آغاز هر حرفه مورد تأکید ابن‌سیناست. وی هم بر آموزش‌های تخصصی هر فن انگشت می‌فشارد و هم بر آموزش‌های روحی و معنوی خود کاسب و تعهد به اخلاق و مرامنامه کاسبی اصرار دارد.

در رساله‌ٔ *السیاسة* ورود هر فردی با هر نوع ویژگی اخلاقی و روحی به هر نوع حرفه و کسب و کار آزاد نیست. بلکه مجموعه‌ای از فضایل اخلاقی و انسانی و دانش و تخصص صنفی برای کاسب لازم است تا او را برای فعالیت اقتصادی مشخصی آماده سازد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

(۱) جوانمردی:

ابن‌سینا در همان ابتدای تعریف انواع مشاغل، صنعت را از تجارت افضل می‌داند و سپس برای اهل صنعت ویژگی مروت را لازم دانسته و اهل مروت را شایسته و جویای این گونه مشاغل می‌داند «وَصَنَاعَاتُ ذَوِي الْمُرُوَّةِ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٌ» (ابن‌سینا، ۱۴۰۲ق). صنعت در نظر ابن‌سینا وسیع‌تر از صنعت در فرهنگ اقتصادی امروز است. امروزه، صنعت در مقابل تجارت، کشاورزی و خدمات آورده می‌شود؛ در حالی که تولید هرگونه کالا و خدمت از نظر ابن‌سینا صنعت محسوب می‌شود؛ بنابراین تولید محصولات کشاورزی، دامپروری و صنعتی به‌معنای خاص امروزی آن یعنی کفش، قفل و... و تولید خدماتی مانند عمل جراحی و تدریس، جزء صنعت محسوب می‌شود (ر.ک. توانایان فرد، ۱۳۹۴). این تکرار خالی از لطف نیست که شیخ‌واژه صنعت یا صنعت را برای مشاغل دیوانی، مشاغلی که جنبه علمی آنها پررنگ است مثل کتابت و طبابت و همچنین فعالیت‌هایی که امروزه بیشتر جنبه ورزشی دارند؛ مانند سوارکاری و تیراندازی نیز به‌کار می‌برد.

پس برتری صنعت بر تجارت از آن روست که صنعت پایدارتر است. در عصر ابن‌سینا تجارت کسانی بودند که برای انتقال محصول صنعت‌گران رنج سفر را بر خود می‌خریدند و مال التجاره را از سرزمینی به سرزمین دیگر با وسایل نقلیه آن دوران و از راه‌های زمینی و دریایی منتقل می‌کردند. این انتقال با مخاطرات طبیعی، جوی و راه‌زنی روبه‌رو بود. از این رو ابن‌سینا صنعت را که دانش و مهارت صنعت‌گر بوده و قابل راه‌زنی و از بین رفتن توسط مخاطرات طبیعی نیست افضل می‌داند.

امروزه و در عصر مدرن با توجه به تغییر شیوه‌های داد و ستد و معاملات اقتصادی و تغییر مفهوم صنعت و خصوصاً ظهور صنایع دیجیتال، اگرچه این نگرانی‌ها و به دنبال آن افول بودن صنعت بر تجارت با دلایل ذکر شده سینوی قابل اعتنا نیست، ولی چنین مقایسه‌هایی بین اشکال مختلف درآمدزایی و کسب و کار در جای خود قابل طرح بوده و محتاج ورود کارشناسان، کارآفرینان و اقتصاددانان در این عرصه است.

بنابراین این‌گونه نیست که هر فردی را لیاقت دستیابی و ورود به این عرصه باشد. بلکه یکی از صفات مرد برای ورود به شغل برتر جوانمردی است. دهخدا مروت را این‌گونه تعریف می‌کند: مردمی و مردی، مردانگی، با انصاف رفتار کردن (دهخدا). امیرالمؤمنین نیز در وصف مروت می‌فرماید: به مروت و مردانگی موصوف نشود آنکه رعایت حق دوستانش نکند و با دشمنانش به انصاف رفتار ننماید (غررالحکم، ۱۳۸۷).

۲) تلاش زیاد، تمرین و کسب مهارت:

کسب روزی حلال بدون داشتن تخصص و مهارت و از سویی بدون تلاش حاصل نمی‌شود. تمرین و ممارست علاوه بر تخصص به گونه‌ای که فرد در آن فن شهره شود، ویژگی دیگری است که فعال اقتصادی باید حائز آنها باشد (ابن سینا، ۱۴۰۲ق.). این سخن یعنی مرد باید از راه تخصص و هنر خود و با عرق جبین و کدّ یمین به کسب ثروت بپردازد و رانت و سودجویی، دور زدن قوانین، ناآشنایی و بی‌سوادی در حرفه خاص، تنبلی و تن‌پروری و ... مورد مذمت ابن سینا است و جوانمرد کسی است که با تکیه بر مهارت، فکر و بازوی خود به کسب ثروت بپردازد و ضمن آن باید به مسئله انفاق نیز توجه داشته باشد. شیخ به همین نیز بسنده نمی‌کند بلکه کسب شهرت را نیز از شرایط کاسب می‌داند. یعنی تخصص در حرفه باید به اندازه‌ای باشد که کاسب در آن تخصص بین مردم مشهور شود. این نکات به ما کمک می‌کند تا عمق تفکرات شیخ را نسبت به اهمیت کسب صلاحیت برای ورود به یک حرفه در جوامع امروزی کشف کنیم و به این ترتیب بی‌ارزشی مشاغلی که اساس آنها تخصص و توانمندی نیست در نزد این بزرگان معلوم می‌شود. از این نکته نباید غافل ماند که ابن‌سینا نه زراوندوزی و کنز مال و ثروت را مجاز می‌شمرد و نه فقر را برمی‌تابد. بلکه عقیده دارد شایسته یک مرد رزق حلال فراوان اما متناسب با تلاش اوست (ابن سینا، ۱۴۰۲ق.). ابن سینا با فقر سرسازش ندارد و آن را منع می‌کند و امتیاز یک مرد را در کسب رزق فراوان می‌داند.

۳) خردمندی و مبارزه با اسراف و بخل:

ابن سینا در رساله، هم از اسراف و زیاده‌روی در مصرف و تضییع مال پرهیز می‌دهد و آن را کم‌خردی تلقی می‌کند و هم خست و بخل را مذمت می‌کند. به نظر ابن سینا میانه‌روی نشانه خردمندی و عقل است. وی هر چند میانه‌روها را به لحاظ کمی در اقلیت می‌داند، اما معتقد است اعتدال و میانه‌روی، درجه کیفیت انسان را بالا برده و او را شایستگی و برتری می‌بخشد، برتری‌ای که ظهور آن در خردمندی انسان است. میانه‌روها کسانی‌اند که صرفه‌جویی را می‌ستایند و در تعداد اندک و در اندیشه خردمندترند (ر.ک. ابن سینا، ۱۴۰۲ق.). در اینجا نیز تعریف اعتدال و میانه‌روی مسکوت مانده و با وجود آنکه خواننده در این بخش مشتاق است تعریف مؤلف را از اعتدال بداند، اینجا که شاید بتوان گفت یکی از آفات رساله *السیاسة* است خودنمایی می‌کند و سبب می‌شود عطش محقق برای دانستن بی‌جواب بماند. هرچند اعتدال و میانه‌روی از نظر شیخ ستودنی است، اما وی متعرض این نکته نیز می‌شود که دارنده این فضیلت محسود دیگران واقع شده و از شماتت و عداوت ناجوانمردان ایمن نخواهد بود (ابن سینا، ۱۴۰۲ق.).

اگر چه شیخ در اینجا بر فضیلت میانه‌روی تأکید کرد و آن را نشانه خردورزی دانست، اما این فضیلت اخلاقی نتیجه‌ای عقلی نیز دارد؛ چرا که یکی از عواید میانه‌روی، ذخیره و پس‌انداز بخشی از دارایی‌هاست که به نظر شیخ نشانه خردورزی است و هم در مباحث دخل و خرج منزل به آن توصیه می‌کند و هم ضمن یادآوری فضایل و ویژگی‌های بانوی خانه به آن اشاراتی دارد (ر.ک. ابن سینا، ۱۴۰۲ق.). بنابراین اخلاق، شرع و عقل حاکم بر مسائل اقتصادی است و شیخ در سایه این احکام به توصیف و تنظیم روابط اقتصادی خانواده می‌پردازد.

۲. جنبه انگیزشی فعالیت اقتصادی از نظر ابن سینا

ابن سینا در فصل اول رساله *السیاسة* به صراحت انگیزه ازدواج یک مرد و تشکیل خانواده را عامل اقتصادی می‌داند (ابن سینا، ۱۴۰۲ق.) و آن را یکی از تفاوت‌های آشکار بین انسان و حیوان بر می‌شمرد (ابن سینا، ۱۴۰۲ق.). بی‌گمان عمده‌ترین نیازهای اقتصادی بشر مسکن و غذاست و از عبارات شیخ می‌توان دریافت که وی این نیازها را نیازهای اولی می‌داند که تأمین آن با مرد خانواده و تدبیر برای حفظ آنها هنر بانوی خانه است و این تقسیم کار عاملی است که از نظر شیخ مرد را به سوی انتخاب همسری با کفایت سوق می‌دهد و در این امر فرقی بین شاه و گدا و ارباب و رعیت نیست. آنچه در دل این عقیده مستتر است این است که ابن سینا مرد خانواده را متکفل کسب درآمد و هزینه‌های زندگی می‌داند و زن، مدیر خانه و حافظ منافع مرد و جانشین وی در خانه است و از این روند می‌توان چنین نتیجه گرفت که نیاز به هم‌سر نیازی متأخر از مسکن و غذا و متفرع بر آن

است و حتی اگر این دو نوع نیاز را همراه و هم‌زمان بدانیم، اما نیاز به همسر در مرتبه، متأخر از نیازهای اقتصادی پیش گفته است.

آنچه مشهود است این که شیخ در این رساله بحث غرایز جنسی را در نیاز به همسر مطرح نمی‌کند. شاید به این جهت که اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند و چون در اینجا شیخ در صدد بیان مباحث اقتصادی است متعرض نیاز جنسی نشده است و این درحالی است که نیاز جنسی هم می‌تواند یکی از انگیزه‌های ازدواج باشد و در عرض سایر نیازها قرار دارد.

از سوی دیگر شاید اندکی مخاطبین شیخ در دنیای امروز آزرده خاطر شوند که چرا وی به جای عشق میان زوجین از عامل اقتصادی به عنوان محرکی برای ایجاد پیوند مقدس زناشویی نام می‌برد. البته این اشکال به جا است اما یک دلیل عقلی و دو دلیل نقلی مستخرج از رساله می‌توان در پاسخ ذکر نمود. دلیل عقلی مبتنی بر وظیفه حفظ حیات است. موهبت حیات بزرگ‌ترین نعمت خداوند به بشر است و حفظ آن در گرو تأمین غذاست. بر هیچ کس پوشیده نیست که بدون آب و غذا زندگی روی این کره خاکی بی‌معناست و واقع بینانه باید گفت تا انسان نیازهای فیزیولوژیک خویش را تأمین نکند، نمی‌تواند از احساسات و عواطف سخن گوید. عشق متفرع بر زنده بودن است و زندگی کردن نیازمند معاش است و سخن ابن سینا نافی این دلالت تضمینی نیست که مرد می‌تواند عاشق زنی شود که در او شرایط لازم برای حفظ حریم خانه به لحاظ عاطفی و اقتصادی وجود داشته باشد. ضمن اینکه ابن سینا در این رساله قصد بیان امورات مربوط به تدبیر منزل را دارد و شاید از این جهت نتوان بر او خرده گرفت. اگر این رساله در بیان شرایط و مقدمات پیوند زناشویی بود، ورود به مسائل اقتصادی بدون در نظر گرفتن روابط عاطفی محل اشکال بود، اما چنان که گفته شد در اینجا بحث رساله مباحث اقتصادی است.

خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری با اقتباس از شیخ، حفظ مال را یکی از عوامل تمایل مرد به ازدواج می‌داند «باعث بر تأهل دو چیز بود، حفظ مال و طلب نسل، نه داعیه شهوت یا غرضی دیگر از اغراض» (طوسی، ۱۳۵۶)، اما در ادامه در باب نوع ارتباط با زن خانه به نکاتی اشاره دارد که حاکی از توجه خاص وی و ابن سینا به بانوی خانه است. وی زن را شریک مرد در مال و قسیم او در تدبیر منزل و نائب او در زمان غیبتش معرفی می‌کند و بدین سان منزلت زن را ارج می‌نهد و مرد را موظف به تکریم زن می‌داند. آنگاه در اقسام شش‌گانه تکریم، به مشورت با زن، بازگذاشتن دست زن در تصرف در اقوات به منظور تدبیر امور منزل و به خدمت گرفتن خدمه برای تدبیر امور منزل، و هم‌چنین صله رحم با خویشان و اهل بیت همسر اشاره دارد.

اما آن دو نکته نقلی برای کم‌رنگ‌تر کردن این اشکال را می‌توان از همین صفحات رساله استخراج کرد. نکته اول اینکه ابن سینا در احصاء فضایل انسانی و افضلیت انسان بر حیوان میان مرد

و زن فرقی نمی‌گذارد و نوع انسان را توصیف می‌کند و تفاوتی بین این دو جنس قائل نمی‌شود. بنابراین حتی اگر مرد برای انگیزه‌های اقتصادی اقدام به ازدواج کند، شأن معنوی زن به قوت خود باقی است و کرامت خدادادی او زیر سؤال نمی‌رود. از سویی ابن سینا اندکی جلوتر در همین رساله یکی از انگیزه‌های گزینش همسر توسط مرد را پیام قرآنی «لتسکنوا الیها» برمی‌شمارد. مطابق رأی شیخ انسان برای محافظت و ذخیره دست‌آوردهایش به کسی نیاز دارد که شایسته جانشینی او باشد و این شایستگی را کسی دارد که مایه آرامش و سکون او باشد و هیچ کس مایه آرامش و سکون او نیست مگر همسری که خداوند او را مایه آرامش مرد قرار داده‌است (ابن سینا، ۱۴۰۲ق). و عاقل بودن، دین‌داری، حیا، زیرکی، مهربانی، زایایی، کوته‌زبانی، فرمان‌برداری و پاک‌دامنی از ویژگی‌های او ست و مرد خانه موظف به بروز رفتاری در مقابل او ست که توأم با هیبت و حرمت و کرامت باشد (ابن سینا، ۱۴۰۲ق). این توصیفات شیخ نشان می‌دهد که رابطه زن و مرد صرفاً بر اساس انگیزه‌های اقتصادی نیست، بلکه عاطفه، احساس، سکون و آرامش بین آنها حاکم است.

با یک نگاه خوش‌بینانه و فارغ از نقدهایی که نگارنده بر این بخش از سخنان ابن سینا مطرح نمود، می‌توان گفت الگوی سبنوی اقتصاد، سبب رونق ازدواج گردیده و این می‌تواند یکی از دست‌آوردهای مهم این جریان باشد. نتیجه اینکه از رهگذر اندیشیدن به کسب درآمد و ثروت معقول و رونق اقتصاد، نهادهی به نام خانواده شکل می‌گیرد؛ به عبارتی ظهور خانواده دست‌آورد اقدام و ورود به عرصه اقتصاد است و به این ترتیب اندیشه‌های اقتصادی ابن سینا به خوبی زمینه را برای اندیشیدن جوانان به مسائل ازدواج فراهم می‌کند و علاوه بر اینکه قائل به تقسیم وظایف بین زن و مرد است، از دل این تقسیم کار، بسیار زیرکانه لزوم آموزش مدیریت اقتصاد در خانواده به زنان جامعه را نیز گوشزد می‌کند.

۳. فعالیت‌های اقتصادی مفید از نظر ابن سینا

الف. اوضاع سیاسی اجتماعی عصر ابن سینا:

پیش از پرداختن به این راه‌ها لازم است شرایط سیاسی و اجتماعی زمان حیات شیخ را بررسی کنیم. قبلاً هم گفته شد که خلاصه‌گویی شاخصه عبارات *رساله‌السیاسة* است و همین امر در اینجا نیز سبب ابهام گشته و خواننده در فهم دقیق اقسام راه‌های کسب و کار ناکام می‌ماند، لذا بررسی تاریخی قرن چهارم و پنجم هجری به ما کمک می‌کند تا جزئیات مشاغل و مکاسبی که مد نظر شیخ است را بازشناسیم.

اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، خلافت عباسی زیر سلطه آل بویه (۳۴۴ تا ۴۴۷ق.) است و در سرزمین‌های شرقی دنیای اسلام، سلطان محمود غزنوی (۳۸۱ تا ۴۲۱ق.) معروف به

سبکتگین پس از سامانیان قدرت را در اختیار دارد که با گرفتن تأییدیه از خلیفه عباسی به حکومت رسمی خود ادامه می‌دهد (برای تفصیل بیشتر ر.ک. ابن اثیر، ۱۳۸۵ق.، الکامل؛ باستانی پاریزی، ۱۳۶۱) عموم مردم ایران در قرن چهارم خصوصاً در زمان عضدالدوله (۳۲۴-۳۷۲ق.) از امرای آل بویه، مرفه و ثروتمند بودند، و به استثنای مواردی از قحطی، مواد خوراکی فراوان و ارزان در دسترس مردم بوده‌است. تجارت رونق داشته و بازرگانان در خشکی و دریا به ایاب و ذهاب و صادرات مال التجاره به نواحی دور و نزدیک مشغول بودند. شهرها آباد و پرجمعیت و کشاورزی رونق داشت و هیچ کشوری به جهت آبادی و رفاه و تمدن و گسترش علم و وفور دانشمندان و وجود کتابخانه‌های متعدد و سطح معرفت عمومی به پای ایران نمی‌رسید. (فقیهی، ۱۳۷۳؛ ر.ک. مقدسی، ۱۳۶۱).

در این اوضاع اجتماعی و با وجود رفاه نسبی که مردم از آن برخوردار بودند، اما دو نکته در رساله‌السیاسه قابل تأمل است؛ نخست اینکه هم‌چنان شیخ بر فعالیت و کسب و کار و رونق بخشیدن به اقتصاد و تأمین معاش و رزق تأکید می‌کند و هرگز رخوت و سستی، تنبلی و خوش‌گذرانی و عیاشی و راحت‌طلبی را بر نمی‌تابد و دوم اینکه برای کسب درآمد بر اهمیت دو عنصر اندیشه و تلاش اصرار دارد. وجود این دو عنصر به این معناست که اولاً کسبه در هر صنفی که فعالیت می‌کنند لازم است به دانش تخصصی آن حرفه مجهز باشند و کلاس‌های توجیهی لازم برای آشنایی با آن حرفه را گذرانده باشند. کسبه باید آداب، مرام و معرفت لازم در حوزه مربوطه را همراه خود داشته باشند و برای موفقیت در آن شغل تمرین کرده و به تجربه قابل قبولی دست یافته باشند. ثانیاً برای کسب درآمد تلاش کنند و روزی خویش را با زحمت و زور بازوی خویش به دست آورند.

ب. انواع راه‌های کسب از دیدگاه ابن‌سینا:

وی راه‌های کسب درآمد را در تقسیم اولیه دو راه می‌داند: ۱- ارث ۲- کسب. کسب خود بر دو نوع است: تجارت و صنعت. از نظر ابن‌سینا صنعت از تجارت پایدارتر و مطمئن‌تر است؛ زیرا تجارت با مال صورت می‌گیرد و مال هم در معرض زوال و آفات بوده و زود از دست خارج می‌شود (ر.ک. ابن‌سینا، ۱۴۰۲ق.).

ابن‌سینا در تعریف صنعت (به‌معنای رایج در عصر ابن‌سینا) مجموعه مشاغلی را توصیه می‌کند که ابزار آن به ترتیب فکر، ادب و شجاعت است. حرفه و صنعت وزراء و سیاسیون و شاغلین در امور دیوانی با ابزار فکر سروکار دارد و صنعت ادیبان شامل مشاغلی مثل کتابت و بلاغت و علم نجوم و طب و صناعاتی از این دست است که ابزار آن به تعبیر شیخ «ادب» است و در مرحله سوم صنعت سوارکاران و تیراندازان است که به شجاعت مجهزند (ر.ک. ابن‌سینا، ۱۴۰۲) و به‌نظر می‌رسد منظور

شیخ نظامیان و سربازان سپاه است که به این دو مهارت مسلح بودند و از این دو به عنوان راه‌های کسب درآمد یاد می‌کند.

اهمیت مشاغل دیوانی و سیاسی و نقش عنصر تفکر و تعقل در این گونه مشاغل را می‌توان در تأثیر قابل توجه حاکمیت مقتدر و دانشمند بر رونق مادی و معنوی زندگی مردم دانست. بدون شک حاکمیت لرزان و ناصالح هرگز نمی‌تواند جنبه‌های مادی و معنوی رعایای خود را تأمین کند و بی‌کفایتی حاکمان که ناشی از جهل و بی‌خردی آنان است در تصمیم‌گیری‌های کلان آنها نمودار شده و تأثیر مستقیمی بر فعالیت‌های اقتصادی و دنیایی و معنوی و اخروی مردم دارد و از همین روست که ابن‌سینا اینجا نیز در نقش طبیب ظاهر شده و نسخه‌ای برای حصول سلامت نفس حاکمان می‌پیچد و در فقرات ابتدایی رساله *«سیاسة تو صیه‌های مبسوطی برای سیاستمداران و زعمای جامعه مکتوب می‌کند»*. اگر همه توصیه‌های اخلاقی ابن‌سینا به دیوان‌سالاران و حاکمان عملی شود و سیاستون به این فضایل آراسته شوند، بدون شک این گونه مشاغل به جهت نقش مهمی که در زندگی مردم دارند در ردیف بهترین راه‌های کسب درخواهد آمد. در فقره بعد قصد داریم زیرشاخه‌های تجارت در عصر ابن‌سینا را معرفی کنیم.

ج. اقسام صنایع (به معنای امروزی) موجود در عصر ابن‌سینا

در قرن چهارم و پنجم، و با روی کار آمدن حکومت آل‌بویه، فضای باز سیاسی و فرهنگی حاکم شد و مدارا با پیروان فرق و ادیان چه در داخل سرزمین‌های تحت قلمرو آل‌بویه و چه همسایگان خارجی، سبب ایجاد ارتباطات اجتماعی و فرهنگی متنوعی گردید (ر.ک. بارانی، دهقانی) و به نظر می‌رسد این فضای باز سیاسی و اجتماعی در تحول و توسعه تعاملات اقتصادی و رونق مشاغل گوناگون مانند کشاورزی، صنعت و تجارت، مشاغل آموزشی، سیاسی و اداری در بین مردم نقش مهمی داشته است. این مشاغل عبارتند از:

۱) کشاورزی:

در این دوره کشاورزی و عمران قنوات و ساختن آسیاها و سدها، کشت مزروعات قدیم؛ مانند برنج و کشت‌های جدید؛ مانند مرکبات متداول شد. جو و گندم در تمام فلات ایران کشت می‌شد. مسلمانان از نظر تولید انواع محصولات کشاورزی، نه تنها خودکفا بودند، بلکه محصولات خود را به سایر مناطق مجاور صادر می‌کردند (ر.ک. مرضیه پروندی، حدیث جهانگیریان، ۱۳۹۴). آبیاری و سدبندی نیز که از ملزومات کشاورزی بود از برنامه‌های حاکمان آن عصر بود که به دنبال آن تقسیم آب و آباد کردن زمین و کاشت درخت و احداث باغات، احداث قنات و تشخیص زمین‌های پر آب از کم آب صورت گرفت (فقیهی، ۱۳۷۳).

۲) نساجی و تولید پارچه:

در این دوره کارگاه‌های پارچه بافی متنوعی در شهرهای ایران مشغول فعالیت و تولید بودند و صنعت پارچه در ایران رونق زیادی داشت و علاوه بر مصرف داخلی به ممالک اطراف نیز صادر می‌شد. مثلاً پارچه‌های ابریشمی بافت گرگان را به یمن صادر می‌کردند در حالی که یمن خود از مراکز عمده تولید پارچه بود. همچنین طبلسان و جامه‌مازندران را به مراکز دیگری از جمله مکه می‌بردند. حتی در شیراز شهری صنعتی برای تولید پارچه‌های خز و دیبا و پارچه‌های ابریشمی و پشمی ایجاد کرده بودند (فقیهی، ۱۳۷۳). جامه‌های خلفا از دیبای شوشتر تهیه می‌شد و به بغداد فرستاده می‌شد (فقیهی، ۱۳۷۳). در آن عصر بافت پارچه‌های معمولی و پارچه‌های ظریف و زیبا به دست کارگران ورزیده، زربفت به مقدار زیاد در نیشابور، اصفهان، پارچه‌های ابریشمی در ری و بسیاری از شهرهای خوزستان، فارس و خراسان، انواع پارچه‌های ابریشمی از قبیل اطلس و کمخا، به ویژه در یزد، ری و نیشابور، پارچه‌های کتانی شهرهای فارس و کازرون رواج داشت و در کل صنعت نساجی از صنایع دیگر بیشتر ترقی کرده بود و از بسیاری از شهرهای ایران گزارشات مفصلی از روند تولید انواع پارچه‌های نفیس و معمولی در دست است (ر.ک. راوندی، ۱۳۸۴ و فقیهی، ۱۳۷۳).

۳) فرش و قالی:

قالی‌های پشمی و ابریشمی در شهرهای فارس، خوزستان و خراسان بافته می‌شد. (راوندی، ۱۳۸۴) در بیشتر شهرهای ایران کارگاه‌های پارچه‌بافی و فرش وجود داشت (فقیهی، ۱۳۷۳). همچنین شواهد نشان می‌دهد که در آن روزگار هر شهری دست‌اندرکار حرفه‌ای خاص بوده است و مهارت در صنعت ویژه‌ای را داشته است. کفش‌گران، نقره‌کاران، کلاه‌دوزان، ریسندگان، پارچه‌بافان... (راوندی، ۱۳۸۴) و شواهد حکایت از رونق بازار تولید و خرید و فروش دارد.

۴) معماری و کاشی‌کاری و ساختمان سازی:

در این دوره احداث بنا و ساختمان و ایجاد شهرها و آثار و بدایع رونق یافت (ر.ک. مقدسی، بی‌تا) که با طرح‌ها و نقوش منحصر به فرد و ابداعی که با مهارت و تردستی خاصی صورت می‌گرفته است، مورخین را به تحسین واداشته است. مصنوعات، منسوجات، کارهای دستی و ظریف این دوره همه حاصل نبوغ ایرانی در قرن چهارم است. مقرنس‌کاری در سقف و گنبد نیز از دیگر هنرهایی است که جهان‌گردان در گزارش‌های خود آن را شگفت‌انگیز خوانده‌اند (ر.ک. دالمانی، ۱۳۳۵). در برخی از شهرهای استان فارس امروزی در کنار ساختمان‌های ساده و محقر ساختمان‌سازی به شکل احداث ساختمان‌های وسیع و چند طبقه نیز رواج داشت و بناهای وسیع با اعمال سلیقه‌های گوناگون در تزیین و تفنن از جمله احداث باغچه‌های گل‌کاری شده و ستون‌های سترگ در بنای خانه و وسایل

رفاهی و تجملاتی در منازل حاکی از ثروت فراوان ساکنان آن دیار بود (فقیهی، ۱۳۷۳، ر.ک. ابن خلدون، ۱۳۶۳). هم‌چنین ساختمان بیمارستان‌های متعدد نیز به این عصر برمی‌گردد از جمله بیمارستان عضدی بغداد (ر.ک. حسن ابراهیم، ۱۳۷۶).

۵) صنایع ظریفه:

در آن عصر رونق زیادی داشت چرا که با رشد و توسعه علم، صنعت نیز پا به پای آن رشد می‌کرد. کره‌ها و اسطرلاب‌های زرین و بسیار ظریف و سایر محصولات دقیق علمی محصول دست هنرمندان آن عصر است (فقیهی، ۱۳۷۳).

۶) صنایع دستی:

در طوس و هرات انواع ظروف و دیگ و مجمر، ظرف‌های مسین، صنعت کاغذ در سمرقند، کلاه و شمشیر و شمع در خوارزم، در شهر بم و هم‌چنین قم انواع کرسی از چرم شبیه مبل‌های امروزی با پایه‌های آهنی بلند و نشیمن‌گاه وسیع و تخت و زین و برگ، کارگاه‌های کفاشی در همدان، در مازندران کاسه و طبق، انواع عطر، و خاصه در فیروزآباد عطر گلاب که گفته می‌شود شهرت جهانی داشته و به مراکش و روم شرقی و فرنگستان صادر می‌شده است. هم‌چنین دارو، وسایل ساختمانی، وسایل تزئینی، انواع معماری ساختمان (فقیهی، ۱۳۷۳).

۷) معدن:

دانشمندان ایرانی در عصر چهارم آگاهی وسیعی از انواع سنگ‌ها و معادن قیمتی داشتند و کار استخراج معادن نیز در این دوره بالا گرفت. از آنها نقره، آهن، طلا، مس، نفت، قلع، سرب، گوگرد، برنج، جیوه، لعل و فیروزه استخراج می‌شد و تولید مصنوعات زیبای مسی، برنجی، نقره‌ای و طلایی در شهرهای ایران و عراق رواج داشت (ر.ک. راوندی، ۱۳۸۴؛ فقیهی، ۱۳۷۳).

۸) تجارت:

تجارت و درآمد مردم در دوره عضدالدوله به سبب جلوگیری وی از خرج‌های غیرلازم و امنیت فوق‌العاده‌ای که در راه‌ها بوجود آمده بود، افزایش یافت و سیاست‌های مالی حاکم بر جامعه از جمله خراج و مالیات نیز سبب شده بود حکومت به جهت مالی در وضعیت خوبی به سر برد (فقیهی، ۱۳۷۳). برخی شهرها از جمله نیشابور نیز با داشتن جمعیت شیعه‌ی فراوان، دارای بازارهای بزرگ و کوچکی بود که در آن کاروان‌سراها و مهمان‌سراهایی بنا شده و تجار در آنها به داد و ستد مشغول بودند. در سراهای این بازارها، کارگران و ارباب صنایع دکان‌هایی داشتند که به رسته‌های گوناگون پیشه‌وران مانند رسته کلاه‌دوزان، کفش‌گران، خزفروشان، ریسندگان و بزّازان تعلق داشت (راوندی، ۱۳۵۷). تجارت و بازرگانی دریایی نیز به شدت رواج یافت و دریانوردان بزرگی مانند ابن کهلان و ابن شاذان از ناخدایان معروف سیراف بودند که در دفاتر تجاری آن مهم‌ترین معاملات بازرگانی آن

عصر صورت می‌گرفت. روی کشتی‌ها عده‌ای منجم با وسایل و آلات دقیق به مراقبت و هدایت کشتی مشغول بودند (راوندی، ۱۳۵۷).

همان‌گونه که گفتیم شیخ بر صنعت و تجارت به‌عنوان دو حرفه قابل قبول و موجه برای مرد خانه که مسئول تأمین معاش خانواده است توصیه می‌کند و در نهایت اینکه مرد خانه برای انجام وظیفه خود در تأمین مایحتاج خانه لازم است با اندیشه و تلاش خود به تولید محصولاتی اقدام کند که حیات واقعی مردم در گرو آنهاست و به مصرف جامعه می‌رسد. تولیداتی که خلایق و هنر تولیدکننده در ایجاد آن نقش دارد و با ایجاد اشتغال، به بالندگی و رشد جامعه کمک می‌کند و ضمن اینکه نیازی از نیازهای واقعی جامعه را برطرف می‌سازد، هرگز به ایجاد تشنگی کاذب و دروغین دامن نمی‌زند. تولیداتی که نه به بزرگ‌نمایی تبلیغاتی محتاج است و نه به رفتارهای غیراخلاقی و غیر انسانی مثل جنگ و اعتیاد دامن می‌زند، بلکه با اقتصاد مقاومتی هم‌راستا است و خودکفایی و غنای جامعه را در پی دارد و برای امروز ما نیز کارگشاست.

نتیجه‌گیری

در این مطالعه بر آن بودیم تا آراء و ایده‌های اقتصادی ابن‌سینا را استخراج کنیم و با توجه به اهمیت مباحث اقتصادی و آراء اقتصاددانان در عصر حاضر که عقلانیت امتیاز آن شمرده می‌شود، دیدگاه فیلسوف عقل‌گرایی همچون ابن‌سینا را بررسی و ایده‌های او را در خصوص رونق اقتصاد و آبادانی خانه و جامعه برشمیریم و ببینیم آیا این راه‌کارها امروزه نیز قابل اعتنا و استفاده هستند یا خیر. آنچه به‌عنوان اصل موضوعه برای ابن‌سینا مطرح است اخلاقی و شرعی زیستن کاسب و فعال اقتصادی است. اخلاق و شریعت دو مبنای دینی است که حاکم بر اقتصاد بوده و فعالیت اقتصادی نباید خارج از آنها و یا مخالف آنها باشد. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که ابن‌سینا در طرح مباحث اقتصادی خود علاوه بر مبنای اخلاق به عقل هم نظر دارد و به‌نظر نگارنده تلفیق این دو رویکرد در آراء اقتصادی تعادل ارزشمندی را به‌طراح در دیدگاه‌های خویش می‌بخشد و او را از درافتادن به ورطه افراط و تفریط می‌رهاند. از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد الگوی سینوی اقتصاد به ترویج ازدواج نیز می‌انجامد چرا که برای مدیریت اقتصاد وجود زن و مرد در کنار هم و تشکیل خانواده ضروری به‌نظر می‌رسد.

تلاش در جهت تولید، فن‌آوری و اشتغال‌زایی توصیه دیگر ابن‌سینا برای فعال اقتصادی است. ابن‌سینا پس از صنعت (به‌معنای سینوی) یکی از بهترین مشاغل آن عصر را تجارت می‌داند و با وجود اینکه در عصر ابن‌سینا وضعیت معیشتی ایرانیان نسبت به مابقی بلاد در سطح قابل قبول و نسبتاً مرفهی قرار داشت، در دیدگاه‌های وی برای تدبیر دخل و خرج، توصیه به فعالیت‌های یدی و

تولیدی و صنعتی و فنی به چشم می‌خورد و این مشاغل از اهمیت والایی برخوردار است. از نظر ابن‌سینا تلاش خود کارگر است که شایستگی کسب ثروت را به او می‌بخشد و مشاغلی که ابن‌سینا توصیه می‌کند، سبب تولید ثروت و بهبود و رونق کسب و کار می‌شود. صادرات و فروش کالا در سرزمین‌های دیگر نیز از دیگر راه‌هایی که در دوره شیخ‌الرئیس مورد توجه مردم بوده و خود شیخ نیز به آن توصیه می‌کند. گذری بر این راه‌های کسب درآمد نشان می‌دهد که توصیه‌های شیخ برای عصر حاضر در جوامع اسلامی نیز کارآمد و راه‌گشاست؛ چرا که خودکفایی و بی‌نیازی را در پی دارد و با سیاست‌های اقتصاد مقاوتی هم‌راستاست. همچنین در بحث‌های شرعی و اخلاقی رعایت موازین انسانی از جمله انصاف و مروت، گم‌شده‌ای است که می‌تواند بسیاری از درگیری‌ها و دعوای اقتصادی را پایان دهد و ضمیمه شدن آن به شریعات و زکات واجب و مستحب علاوه بر ایجاد حس اعتماد بین مردم به رونق اقتصادی کمک کند و سبب زدودن فقر از جامعه گردد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن سینا، (۱۳۵۹)، عیون الحکمه، محقق عبدالرحمن بدوی، بیروت: دارالعلم.
۲. _____ (۱۳۸۳)، دانشنامه علایی، مصحح دکتر معین، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
۳. _____ (۱۴۰۲ق)، رساله‌ مجموعه فی السیاسه، المحقق د. فؤاد عبد المنعم أحمد، الاسکندریه: الناشر مؤسسه شباب الجامعه للنشر.
۴. _____ (بی‌تا)، تسع رسائل فی الحکمه و الطبیعیات، ترجمه حنین بن اسحق، چاپ دوم، قاهره: دارالعرب.
۵. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۳۸۵ق)، الکامل، ج ۹، بیروت: دار صادر.
۶. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۳۶۳)، العبر؛ تاریخ ابن خلدون، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: وزرات فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۷. ابن سینا، حسین (۱۳۶۰)، رسائل، ج ۱، مصحح ضیاء الدین دری، تهران: نشر مرکزی.
۸. ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۴۲۶ق)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، محقق عماد هلالی، بی‌جا: نشر طلایه نور.
۹. ابن معروف، محمد ابن عبدالخالق، (بی‌تا)، مصحح رضا علوی نصر، فرهنگ کنز اللغات، ج ۱، تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۰. بارانی، محمد، دهقانی، محمد رضا، ۱۳۹۲، “جایگاه رواداری مذهبی در امور حکومتی عصر آل بویه”، مطالعات تاریخی جهان اسلام، شماره ۱، ۵۲-۳۳.
۱۱. باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۱)، “موج بی سامانی در سپیده دم عصر سامانی”، نشریه چیستا، شماره ۱۲، ۱۵۸-۱۳۸.
۱۲. پروندی، مرزیه، جهانگیریان، حدیث (۱۳۹۴)، “مشاغل و مناصب شیعیان در قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری”، نشریه شیعه شناسی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، ۱۶۶-۱۴۷.
۱۳. پورجوادی، رضا (۱۳۹۳)، “از اقسام حکمت عملی در فلسفه مشاء”، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ۳۳۸۱.
۱۴. توانایان فرد، حسن، ۱۳۵۹، نظریات اقتصادی ابو علی سینا (تدبیر منزل)، بی‌جا: انتشارات قسط.
۱۵. توانایان فرد، حسن، ۱۳۹۴، تاریخ اندیشه‌های اقتصادی در جهان اسلام، نشر الکترونیکی مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام.
۱۶. جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۵، ترجمه نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۷. حسن ابراهیم، حسن (۱۳۷۶)، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۳، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.
۱۸. دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، مترجم محمدعلی فره‌وشی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۵۵)، “فن تدبیر منزل یا هنر کت خدایی و خانه داری”، فصلنامه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، شماره ۲۱، ۱۲۴-۱۱۷.
۲۰. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۳)، “چرا ابن سینا در حکمت عملی اثر مستقلى تصنيف نکرده است”، نامه فرهنگ، شماره ۵۳، ۱۴۹-۱۴۶.
۲۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، لغتنامه، زیر نظر جعفر شهیدی، ج ۲، بخش ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. راوندی، مرتضی (۱۳۸۴)، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۵، تهران: ناشر روزبهان.
۲۳. صفدری، مهدی، جفره، مریم، ۱۳۹۴، “اخلاق در اقتصاد اسلامی و قانون جمهوری اسلامی”، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۱، ۸۲-۵۳.
۲۴. طوسی، نصیر الدین، (۱۳۵۶)، اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۲۵. عاملی، مرتضی جعفر (۱۴۲۶ق)، الصّحیح من سیرة النّبی الأعظم، ج ۱۴، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲۶. غررالحکم، (۱۳۸۷) گردآورنده آمدی، ابوالفتح ناصح‌الدین عبدالواحد بن محمد، ترجمه مهدی انصاری، تهران: لوح محفوظ.
۲۷. فارابی محمد بن محمد (۱۳۶۴)، فصول منتزعة، محقق فوزی متری نجّار، تهران: مکتبه الزهراء.
۲۸. فارابی، محمد بن محمد (۱۹۹۶م)، السّیاسة المدنیة، شرح علی بو ملحم، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۲۹. فقیهی، علی اصغر (۱۳۷۳)، چگونگی فرمانروایی عضدالدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در زمان آل بویه، تهران: نشر پرتو.
۳۰. کرمانی، طوبی، سلگی، فاطمه (۱۳۹۲)، “تحلیل حیات منزلی (خانوادگی انسان) در حکمت عملی با تأکید بر آراء ابن سینا”، نشریه فلسفه و کلام اسلامی، شماره ۲، ۱۴۲-۱۲۳.
۳۱. ماحوزی، رضا (۱۳۹۲)، “رویکرد فارابی و ابن سینا در تقسیم علوم”، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۳، ۵۱-۳۷.

۳۲. محمدعلی نجار و دیگران (۱۳۸۶)، معجم الوسیط، ج ۱، گردآورنده مصطفی، تهران: مؤسسه الصادق.
۳۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹)، میزان الحکمه، مترجم حمید رضا شیخی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۳۴. مقدسی، محمد بن احمد، (بی تا)، أحسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
۳۵. منزوی تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق.)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، بیروت: دارالأضواء.
۳۶. موریس، جیمز دبلیو (۱۳۷۸)، “فیل سوف-پیامبر در فلسفه سیاسی ابن سینا”، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۶، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۷. نورانی نژاد حمیده (۱۳۸۵)، “تدبیر منزل”، مرکز دائرة المعارف اسلامی، جلد ۱۴، مقاله ۵۸۳۰.